اشـاره کرد. قابوس‌نامه هم روان، زیبا و فخیم نوشته شده اسـت. سیاسـت‌نامه نیز یا به قلـم خواجـه نظام‌الملک طوسـی وزیر سـلجوقیان یا زیر نظر او نگاشته شده است و روانـی و دلکشـی خاص خود را دارد. در قرن ششـم اما شـاخص‌ترین نثر فارسـی، چهار مقالـه نظامی عروضی اسـت که به‌سمت نثر مصنوع می‌رود و در آن اصطلاحات عربی افزایش می‌یابد. تذکره‌الاولیا عطار و اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی‌سـعید ابی‌الخیر را هم بعدتر داریم. اسـرار التوحید اثر محمد بن منور که در سال ۵۷۵ نوشته شده است، هم یکی از متون بسیار روان فارسی است، هم برخی نویسنده‌ها آن را پدر نثر فارسی دانسته‌اند.

بـا مرور این آثار و جدا از حجم، زیبایی و فخامت تاریخ بیهقـی، باید به پهنای واژگان زبان فارسـی هم در این اثر توجه کرد که شایسـتگی آن را دوچنـدان می‌کند. وقتی من و دکتر یاحقی تاریخ بیهقـی را تصحیح می‌کردیم، به واژگان کهـن برمی‌خوردیم. مراجعه ما به لغت‌نامه دهخدا نشـان می‌داد که اولین شـاهد ایـن واژگان یا شـاهنامه فردوسـی اسـت یا تاریخ بیهقی، بنابراین انتساب پدر نثر فارسی به بیهقی اصلاً بیراه نیست.

در کنار وجوه ادبی متن تاریخ بیهقی، برخی نیز بر این باورند که بیهقی را به‌واسطه وجود ضابطه خرد و عقلانیت، واقعیت و غیرواقعیت و راست و دروغ در تاریخ‌نویسی می‌توان پدر تاریخ‌نویسی نوین دانست. چقدر با این ارزیابی موافقید؟ درعین‌حال به‌نظر شما وجه تاریخی این کتاب، چـه تفاوت‌های معناداری با سایر کتاب‌های تاریخی کلاسیک دارد؟

همانطـور که در بخـش قبل نیز توضیـح دادم، بخش عمـده‌ای از ادبیات ما کتب تاریخی اسـت. بنابراین اکثر مورخـان قرون اولیه مـا ادیبانی برجسـته‌اند که دوره‌ای نیـز رفته‌اند و تاریخ نوشـته‌اند. وقتی امـا به عصر صفوی می‌رسـیم نویسـندگان متـون تاریخی جایـی در ادبیات ندارنـد و «عالـم‌آرای عباسـی» را نمی‌تـوان متنی ادبی شـمرد. من البته با اطلاق عنوانی نظیر پدر تاریخ‌نویسی مـدرن به بیهقی، موافق نیسـتم. تاریخ‌هایـی را که ما در قرون اولیه داشـتیم، یا عرب‌ها نوشـتند یـا عرب‌زبان‌ها. مشـهورترین‌اش، تاریـخ طبری اسـت. طبـری که عرب نیسـت، از طبرستان ایران است ولی به زبان عربی مسلط بوده و تاریخ نوشـته اسـت. محور بیشـتر این تواریخ نیز وقایع اسـلام و سیره رسـول و غزوات و... اسـت و در آنها جانبـداری از عرب و تازیان نیز به‌چشـم می‌خـورد. این متون وقتی به تاریخ ایران قبل و بعد از اسـلام می‌رسـند، به‌راحتی رد می‌شـوند و حتی گاهی بـا لحنی تحقیرآمیز می‌نویسـند. نمونه‌اش سیاسـت‌نامه نظام‌الملک اسـت کـه چون وزیر سـلجوقیان اسـت و سـلجوقیان هم بنده حلقه‌به‌گـوش خلافـت عباسـیان‌اند، وقتـی بـه بابـک خرمدیـن، افشـین و مازیار می‌رسـد، شـروع می‌کند به فحاشـی. اگر بخواهیـم بـرای بیهقی صفـت «نوین» را بیاوریم، تفاوت او با تاریخ‌نگاری‌های قبلی همینجاسـت. بیهقی یکی از اولین تاریخ‌نویسـان زبان فارسـی است که در کنار کسانی همچون بلعمی و درگیزی به وقایع تاریخی ایران، نگاهی ایرانی و حتی شـاید بشود گفت، خراسانی دارد و در آنهـا اثری از تازی‌نویسـی پیشـین نیسـت. از تاریخ بیهقی بخش مربوط به ۱۰ سـال سـلطنت مسعود غزنـوی از ۴۲۱ تـا ۴۳۱ باقی مانده اسـت. بیهقی اما به این بهانه، ناب‌تریـن اطلاعات راجع به برمکی‌ها، یعقوب لیـث، صفاریان و سـامانیان کـه دیگـران نگفته‌اند، نقل می‌کند. به‌جرأت می‌گویم ما درباره تاریخ سـامانیان با آن اهمیت یک تاریخ مستقل نداریم. از لابه‌لای تاریخ بیهقی مهمترین وقایع سامانیان را، چگونگی رفتن این‌ها و آمدن ترکان و غزنویان را می‌خوانیم. این از جنبه‌های ویژه تاریخ بیهقی است. حالا اسم این را هرچه می‌خواهید بگذارید؛ نوین یا غیرنوین. هرچه بنامیم شـکی نیست بیهقی یکی از نخسـین مورخانی است که به زبان فارسی می‌نویسد و به وقایع ایران توجه خاص دارد. برای نمونه او می‌توانسته از هارون الرشـید یا مظالم عیسـی بن ماهان به این بهانه که قرن‌هـا پیش رخ داده یـا دیگران پیش‌تر نوشـته‌اند، بگذرد اما او با روایت متفاوت خود از این وقایع می‌خواهد روایت غالب عربی را مـورد تردید قرار دهد. او می‌داند که مخاطبش به کلیات آگاه است اما می‌خواهد روایتی دیگر نیـز پیـش روی او نهد. از این منظر بله می‌شـود گفت در قرون اولیه اسلامی، قرون دوم و سوم، سبک تاریخ‌نویسی عربی مسـلط بـود. بیهقی این سـد را شکسـت و با یک نـوآوری، تاریخی نویـن را روایت کرد. پس می‌شـود به او گفت پدر تاریخ‌نویسی نوین ایرانی یا خراسانی.

با این تفاسیر نسـبت فردوسی و بیهقی را چگونه می‌دانید؟ برخی گمانه زده‌اند که بیهقی آنجا که خود را مخالف افسانه‌گویی‌های خواب‌آور کودکان دانسته، به شاهنامه نظر دارد؟ در کنار این نباید فراموش کرد که بیهقی از یک‌سو به‌عنوان دبیر درباری در دستگاه حکومت حضـور دارد و ازسـوی‌دیگر از بیان برخی واقعیت‌ها نیـز پرهیزی ندارد و در چنین مواقعی در مقام نویسـنده‌ای توانـا، گاه در قامت یک تحلیلگر منتقـد می‌نویسـد. برای نمونـه او در عین شـهید دانسـتن مسعودشـاه غزنوی، ابایی از این ندارد که به رذایل اخلاقی او نیز اشـاره کند یا اختلافات میان محمود، مسعود، محمود و خلیفه را شرح دهد. با این تحلیل موافقید؟ به نظر شـما او در حفظ این تعادل شـکننده، موفق عمل کرده است؟ و آیا آنچه بیهقی انجام می‌دهد، نمونه‌های مشابه دیگری نیز دارد؟

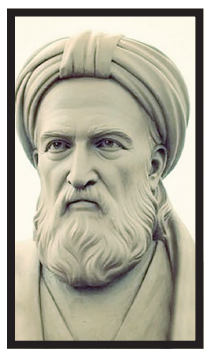

بیهقی یکی از اولین تاریخ‌نویسان زبان فارسی است که در کنار کسانی همچون بلعمی و درگیزی به وقایع تاریخی ایران، نگاهی ایرانی و حتی شاید بشود گفت، خراسانی دارد و در آنها اثری از تازی‌نویسی پیشین نیست

بدون تعارف بایـد بگویم، این سـخنان درباره اختلاف بیهقی و فردوسـی، ناشـی از اظهار فضل اسـت و نشـان می‌دهد که در مطلب غور نشده است. هویت ما ـ اگرچه نه با نام ایران ـ اما با باور، زندگی و شیوه‌های ما در بیهقی موج می‌زنـد. برای فهم این نکات اما بلـه باید به همین مطلبی که گفتید، توجه کرد. خط قرمز وحشتناکی جلوی بیهقی بوده است که به او دستور می‌داده که فلان چیز نباید انجام شود. درست مانند یک سانسورچی. توجه کنیم که بیهقی در زمان سـلطان محمود، معـاون دیوان رسـالت غزنویان بوده اسـت. این دیوان رسالت به زبان امروزی ترکیب چهار وزارتخانه اطلاعات، دیپلماسـی، فرهنگ و ارشاد و پست و تلگراف اسـت. نخبه‌ترین دبیران در دیوان رسـالت حضور داشـتند و مهمترین اخبار از دیوان رسـالت می‌گذشـت. پس این دبیران به‌شدت زیر نظر بودند. دیپلماسی و ارتباط بـا حـکام و خلیفه برعهده همیـن دبیران بـود و اینها باید محرم تلقی می‌شـدند. بیهقی معاون چنین دیوانی اسـت و بایـد و نبایدهـا را خـوب می‌داند. برای همیـن جاهایی می‌نویسـد، این را نبایـد بگوییم. با می‌گویـد، کتاب‌های مرا عامدانه سـوزاندند. بالاخره باید دانسـت که بیهقی در میانه نزاع خونین امیر محمد و مسـعود بعد از مرگ محمود غزنوی می‌نویسـد و این دوران پرآشوبی است. برای همین دسـتگاه حکومت مسـعود چهارجلدونیم از این تاریخ را از بین برده‌اند. پس خط‌قرمزهایی جلوی بیهقی بوده است. بازگردیـم به بحث بیهقی و فردوسـی. عطـا ملک جوینی بیشترین ارجاع را در روایت‌هایش به شاهنامه داده است.

در بیهقی نه‌تنها یک بیت از شاهنامه و فردوسی نیست، بلکه از هیچ قهرمان و شـخصیت ایرانی نیز نامی در میان نمی‌آیـد. فقط یک‌بار نامی از فریدون و رسـتم آمده. این البته سـلیقه بیهقی نیسـت. او تحت کنترل بوده است. باید انصاف هم داشـت. بیهقی قریب به هزارسـال پیش این متن را با آن بگیروببندها نوشته است. همین الان هم بدون رعایت خطوط قرمز نوشتن امر آسانی نیست.

یکـی از فرازهـای معـروف تاریـخ بیهقـی بخش مربوط به حسـنک وزیر اسـت. برخـی از محققان معاصر استدلال می‌کنند که تصویرسازی بیهقی از حسـنک هرچند همدلانه اسـت، اما به‌طور ظریفی به پتانسـیل خود حسـنک بـرای بی‌رحمی اشـاره می‌کند و نشان می‌دهد که او قربانی کاملاً بی‌گناه و معصومی نبوده است، بلکه شخصیتی پیچیده بود که در واقعیت‌های بی‌رحمانه قدرت گرفتار شده بود. برای نمونه می‌شود به بخش پایانی این عبارت ارجاع داد: «ایـن بود که خود به‌زندگـی گاه گفتی که: «مرا دعای نشاپوریان بسازد» و نساخت و اگر زمین و آب مسلمانان به‌غصب بستنـدند، نه زمین ماند بدو و نه آب و چندان غلام، ضیاع، اسباب، زر و سیم و نعمت، هیچ سودش نداشت.»

وقتی مسعودشاه آمد به بیهق و نیشابور، برای او سلام و صلوات فرسـتادند و کسـی بلند شـد و گفـت من از آل میکال نیسـتم ولی برآمده از این خانـواده‌ام. بعد گفت: «بـر میکالیان سـتم می‌رود از حسـنک». اموال‌شـان را خوردند و... این جمله را بعضی ازجمله دوست ما محمود امیدسالار بد متوجه شـدند و آن را این‌گونه تفسیر کردند که حسنک بر میکالیان ستم کرده است. نه منظور گوینده این بوده که چون حسنک از میکالیان بوده است، به‌خاطر دستگیری حسـنک، بر میکالیان نیشـابور ستم می‌رود؛ وگرنه حسنک ظالم نبوده است. بعدتر البته امیدسالار به من گفت که این تفسیر به‌خاطر این نیز بود که توده‌ای‌ها خیلی روی حسـنک وزیر مانور می‌دادند و من خواسـتم کمـی در روایـت آنها خدشـه وارد کنم. البتـه باید به این نکته نیز توجه داشـت که زمانی در نیشابور فرقه متعصب کرامیـه که شـعارش «دین فقط دین کـرام، فقه فقط فقه ابوحنیفه»، قدرت داشت و اموال مردم را مصادره می‌کرد. در سـال ۴۰۳، گنـد کار آنها بالا آمد و به دسـتور خلیفه، حسـنک نیز جلوی آنها درآمد. حسـنک هم چکمه‌سرخ پوشید و با شـدت در برابر آنها ایستاد و اموال غصب‌شده مردم را بدان‌ها بازگردانید. ریشـه این برداشـت‌های غلط درباره حسنک چنین مسائلی است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
شناسه آگهی: ۲۰۳۰۵۶۲

آگهی ابلاغ مفاد آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شرق اصفهان

دراجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی وبرحسب ماده ۳ قانون مذکورآراذیل که ازطرف این هیات مبنی برتایید انتقال عادی ویا سهم مفروزی متقاضی صادر گردیده دردو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می‌شود تا شخص یا اشخاصی که به آرا مذکوراعتراض دارند ازتاریخ اولین انتشارظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده ودرمهلت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض فرصت دارند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه وارائه گواهی مبنی برطرح دعوی اقدام نمایند واقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود ودرصورت انقضامهلت وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد وصدور سند مالکیت مانع ازمراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.۱-رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۷۰۱۱۲۵۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ منصور حبیب‌اللهی خوراسگانی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۱۴۰۶۲۴ صادره ازاصفهان به شماره ملی ۱۲۸۳۸۴۲۲۹۷ درشش دانگ یک باب قطعه زمین مزروعی بدون درج اعیانی باکاربری کشاورزی احداثی بر روی قسمتی ازقطعه زمین پلاک ۱۶ واقع دربخش ۱۸ ثبت اصفهان به مساحت ۶۵۲/۶۸ مترمربع خریداری مع‌الواسطه به صورت عادی ازمالک رسمی عباس عبدالهیان خوراسگانی.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۸/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۱۸
مهدی صادقی وصفی - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
شناسه آگهی: ۲۰۳۱۹۷۳

آگهی ابلاغ مفاد آرا صادره از هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در ثبت شرق اصفهان

دراجرای ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی وبرحسب ماده ۳ قانون مذکورآراذیل که ازطرف این هیات مبنی برتایید انتقال عادی ویا سهم مفروزی متقاضی صادر گردیده دردو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می‌شود تا شخص یا اشخاصی که به آرا مذکوراعتراض دارند ازتاریخ اولین انتشارظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نموده ودرمهلت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض فرصت دارند نسبت به تقدیم دادخواست به دادگاه صالحه وارائه گواهی مبنی برطرح دعوی اقدام نمایند واقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود ودرصورت انقضامهلت وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد وصدور سند مالکیت مانع ازمراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.۱-رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۷۰۱۱۵۴۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ حسین طغیانی خوراسگانی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۶۷ صادره ازاصفهان به شماره ملی ۱۲۹۱۲۴۱۹۷۳ درشش دانگ عرصه یک قطعه زمین (باکاربری زراعی - باغی) احداثی برروی قسمتی ازقطعه زمین پلاک ۹۳۳۵ واقع دربخش ۵ ثبت اصفهان به مساحت ۱۹۰۵/۶۶ مترمربع خریداری طی سند رسمی. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۸/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۸/۱۸
مهدی صادقی وصفی - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک شرق اصفهان

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز

فراخوان مناقصه عمومی(ارزیابی کیفی)

نوبت اول

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت دراین مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی(توکن) و ازطریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می‌باشد.

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م م/۰۴/۰۳۱۰ مربوط به احداث جاده و محل چاه‌های غرب ۴۱۲ جنوب(ب) و غرب ۴۱۲/۱ جنوب(ب) اهواز(پسماند)

الف- شرح مختصرخدمات: انجام عملیات تخریب، عملیات خاکی، عملیات بنایی باسنگ، اندود وبندکشی، قالب بندی وچوب بست، کارهای فولادی، بتن ریزی، زیراساس، اساس وبالاست، نصب علائم وتجهیزات ایمنی، احداث محوطه چاه، احداث سلر، احداث گودال آبگل، احداث گودال سوخت، ژئوممبراین، احداث آبرو وپل بتنی درطول مسیر وجاده دسترسی مدنظر می‌باشد.

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل اجرای خدمات در ۱۰ کیلومتری اهواز و مدت انجام آن ۱۴ ماه می‌باشد.

ج- برآورد کارفرما: برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۱,۲۹۵,۱۰۶,۵۱۹,۵۹۷ ریال وتعدیل پذیر می‌باشد

د- شرایط مناقصه گران متقاضی: داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی وریالی) دررشته مربوطه

مناقصه گران دارای حداقل پایه ۴ گرایش راه وترابری ودارای گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی ازاداره کل تعاون، کارورفاه اجتماعی - درتعیین برنده مناقصه ودرشرایط برابر، الویت باشرکت‌های بومی استانی می‌باشد. - دارابودن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی ازاداره تعاون، کارورفاه اجتماعی درهنگام عقد قرارداد ازسوی مناقصه گربرنده الزامی می‌باشد. - توانایی ارائه تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۴۳,۰۰۲,۱۳۰,۳۹۲ ریال همچنین توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (درصورت برنده شدن) بعنوان تضمین انجام تعهدات - ارائه یک نسخه تأیید شده از صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی الزامیست. (مبنای پذیرش درخصوص هرگونه گزارش حسابرسی صورت‌های مالی، بارگذاری گزارش مذکوراز طریق سایت جامع حسابداران رسمی ایران (قابل استعلام در وبگاه www.iacpa.ir) با قابلیت مشاهده در سامانه پردیس می‌باشد) مناقصه گر جهت تحویل تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین ازطریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات دراهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع درروبروی بلوک دو، ساختمان طرحهای راه وساختمان درمهلت مقرر مراجعه وتضمین راتسلیم نمایند.

توجه: ضمانت نامه فرآیند ارجاع کار وانجام تعهدات صادره توسط بانک‌های پاسارگاد وسپه قابل پذیرش نمی‌باشد.

هـ- محل و مهلت دریافت اسناد

ازکلیه متقاضیان واجد شرایط دعـوت به‌عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر دراین فراخوان جهت دریافت اسناد واعلام آمادگی ازطریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تاارزیابی‌های لازم وفق آیین نامه اجرایی بندج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی کیفی) برروی مدارک ارسالی مناقصه گران به‌عمل آید.

- **مهلت اعلام آمادگی:** بصورت الکترونیکی (غیرحضوری و) ازساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۳
- ضمناً می‌بایستی حداکثر ظرف مدت ۱۴ روز مدارک ارزیابی کیفی خود را مطابق با اطلاعات درخواست شده دراستعلام ارزیابی کیفی ازطریق سامانه ستاد بارگذاری نمایند. بدیهی است کارفرما این حق را برای خود محفوظ میدارد به مدارکی که شرایط مندرج درمتن آگهی واستعلام ارزیابی کیفی رالحاظ ننموده اند ترتیب اثر ندهد.

محل، زمان تحویل وگشایش پیشنهادها

متقاضیان واجدالشرایط درمرحله ارزیابی کیفی مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۳:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ به صورت الکترونیکی وازطریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶ گشایش و قرائت خواهد شد وحضور نماینده مناقصه گران با معرفی نامه وکارت شناسایی معتبر بلامانع است. همچنین مناقصه گران می‌بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۳:۳۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ اصل تضمین مذکور را به صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب درآدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع درروبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرحهای راه وساختمان تسلیم نمایند. همزمان ارائه معرفی نامه وکارت ملی برای متقاضیان شرکت درمناقصه ونمایندگان شرکتها درهمه مراحل لازم وضروری می‌باشد.

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی ازاساسنامه شرکتها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی وهرگونه گواهی مبنی برواجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.

شناسه آگهی: ۲۰۳۱۳۴۲ http://iets.mporg.ir WWW.NISOC.IR
امور حقوقی و قراردادها - مناطق نفتخیز

نگاه روزنامه‌نگار

پند بیهقی و روزگار ما

ابراهیم عمران
روزنامه‌نگار

ایـن گفته بیهقی را در روزی کـه به‌نام‌اش بود، در توئیتر نوشتم: «هیچ نبشته‌ای نیست که به یک‌بـار خواندن، نیرزد». یکـی، دو نظر زیرش نوشـته شـد کـه در آن دوران کتاب‌ها توسـط علمـا و آگاهان عصر نوشـته می‌شـد و لاجرم خواندن‌اش هم مفیـد و به صواب و ثواب. نظر دیگـر اینکه، هر کتابـی را نمی‌تـوان نماینده این گفته بیهقی دانسـت. دو نگـره‌ای که اگر نیک نگریسـته شـود، پُربیراه هم نیست. اولی آنچنان واضح و روشـن اسـت که نیاز به شرح بیشتری ندارد. چه در دوران قبل و بعد بیهقی به‌حتم هر فردی خامه قلم‌اش سـوی نوشـتن نبود و ادعای فخر آن نداشـت و اصولاً نوشتن و نگارش کتاب امری سـخت و پرمشـقت بود. و باز هم به‌قول بیهقی که زیرکانه و زیرپوسـتی می‌گوید؛ «دیر سالی است که در این شغلم» و این کم نکته‌ای نیست. که سالیان زیاد، فردی در امر نوشتن باشد و سـودای آن‌که نام‌اش بر کتابـی نقش بنـدد، او را رها نکنـد. بر همین سـیاق می‌توان نظری کـه علمـا و دانایان در گذشته، نویسـندگان مبرزی بوده‌اند را کامل و جامع دانسـت. این مهم نقبی اسـت به حالیه کـه امـر کتاب‌نوشـتن، بـرای آنان در چشـم به‌هم‌زدنـی رخ می‌دهـد! و آنگاه اسـت که به نظر دوم این نوشـته می‌رسـیم که هـر کتابی را نبایـد خواند و کمی هم باید دسـت بر قضا، خِسـت داشـت دراین‌زمینه. حال با شمارگان انـدک چاپ‌شـده کتاب‌ها که دیگر نویسـنده قدیم، جدید، مبتدی و حرفه‌ای نمی‌شناسـد، چه باید کرد. اگر به قول بیهقی وفادار باشیم و به یک‌بار خواندن همت گذاریم، چه می‌شود؟ سـطح نوشـته را تایید می‌کند این وفاداری به گفتـه تاریخ‌نویس قدیمی‌مان یـا فقط یک امر فرهنگی سـطحی رخ داده است. بر پیشخوان کتاب‌فروشـی‌ها، کتاب‌هـای زیـادی جـای گرفته اسـت. ملاکِ یک‌بار خوانـدن یا اصولاً نخواندن‌شان، چیسـت. آیا فقط فرد خریدار و خواننـده باید به دانش پیشـین خویش رجوع کنـد در بـاب خوانـدن و متکی به دیـد و نظر دیگـران نباشـد، یا اینکـه اقوال دیگـران نیز دراین‌زمینه بایـد مطمح‌نظر قـرار گیرد. آنچه گفته بیهقـی را در این زمانـه کمرنگ می‌کند و میـزان خِسـت خواننده را افـزون؛ صاحبان کتاب‌هایی هسـتند که به‌واقـع، فقط صاحب کتاب هستند و بس و این تملک از جهتِ غنای نوشته نیسـت، بلکه خامه قلم آنان سبب‌شده کـه کتابـی به زیـور طبع آراسـته شـود؛ نه از باب خواندن که از سـویه دیده‌شـدن. و این بد مصیبتی است که جامعه نشر را فرا گرفته است و ترکش‌های آن به سـوی خوانندگانی می‌رود که با وسـواس، کتاب انتخاب می‌کنند و چون چنین کتاب‌هایی را می‌بینند، لامحاله شـاید عطای خواندن را به‌کل از دسـت دهند. بسان سـینمای ما که در چنبره فیلم‌های سـخیف و تجاری قرار گرفته و اگـر فیلمی اجتماعی هم در پرده اکران باشـد، آنچنان دیده نمی‌شـود؛ به‌جـز مـوارد اسـتثنایی آن. چه که ایـن پیام داده می‌شـود کـه همـه محصـولات در یـک سـبد نازل قـرار دارند و چه خُسـرانی بالاتر از اینکه دراین‌میـان کتاب‌های خـوب هم دیده نشوند. هرچند باید کتاب‌شناس و کتاب‌خوان حرفـه‌ای را از این قضایا منفک دانسـت؛ ولی نمی‌توان جمعیـت بالقـوه‌ای را ندید که تالی این نگره هسـتند. هرچه هست بیهقی جهان زمان خود را می‌نگریسـت با گوشه‌چشـمی به آینده کـه «مردمان دیگر عصرهـا بدان رجوع کننـد و بداننـد». و شـاید در جهان‌بینی‌اش خطور نمی‌کـرد مردمان عصرهای بعد و دیگر، آنچنان غره به دانش نداشـته خویش هسـتند که مصداق این توصیه نخواهند بود. روز بیهقی گذشـت، بی‌آنکه در جایـی و مکانی عمومی و فرهنگـی از این پنـدش یادی شـود. نکته‌ها گفته و شـنیده شود. چه که مصدرداران امور را غم خواندن و بالمآل نوشـتن، نیسـت؛ که اگر می‌بود ایـن دغدغه نزد متولیـان امر خواندن و نوشـتن، گریزی بـدان می‌زدند. دسـت‌کم در بیلبوردهای شهری‌شـان کـه از همه موارد می‌گویند، گوشه‌چشـمی به آن می‌داشـتند. به‌قول بیهقـی: چون روزگاد دراز بر آمدی، این اخبار از چشم و دل مردمان دور ماندی...